



یک وقتی میزان مصرف صابون یا کاغذ از مقیاس تمدن و رشد فکری و عقلی ملل حکایت می‌کرد و ماخذ مقایسه بود، امروز باید گفت بیمه و میزان نسبی مبلغ و عدد آن نشانه توجه و تمدن و رشد فکری و ارتقاء سطح زندگی و اقتصاد هر ملت است. یک وقتی از روی نادانی حتی مبلغین شرکت های بیمه، بیمه را به قمار تشبیه می‌کردند، امروز عاقلان نه این است که بیمه نکردن و بیمه نشدن را به قمار تشبیه کنیم. وقتی که مرحوم داور در شهریور ۱۳۱۴ با امر رضا شاه کبیر شرکت سهامی بیمه را تأسیس کرد و اولین بیمه نامه آتش سوزی را بنام خود گرفت با توجه

به حدود نامحدود و قلمرو وسیع ولایتناهی وافق باز و آثار نمایان بیمه امیدفراوان میرفت که در فاصله کوتاهی کمتر فعالیت اجتماعی یا اقتصادی بدون بیمه بماند ولی متأسفانه این موسسه دست بدست باشخاص رهگذرو نارسائی سپرده شد که بعضاً رو در محراب و دل در بازار پشت میز بیمه نشستند و در سنگر شرکت بیمه برای وزارت و وکالت و کارهای دیگر مجاهده و تلاش کردند .

پول بیمه را بمنزله پول برای مقاصدی که کمتر با بیمه مربوط میشد عقیم گذاشته یا بمورد مصرف کردند و این ابتکار دنیای غرب که چندین قرن در کشور های مرقی سابقه دارد با وجود کثرت طرق ارتباطی و وسائل مخابراتی و عواملی که در اختیار جهان امروز است تا کنون حرکت لاک پشتی داشته و هنوز اکثریت مردم ایران بیمه را بصورت شرط بندی و یک کارتقننی تلقی می کند .

اغلب کسانی که در رأس این دستگاه قرار گرفتند بطوری بخود مشغول بودند که بهیچوجه نتوانستند در رواج و تعمیم بیمه اقدام شایسته کرده و بیمه را آنطور که باید و شاید به جامعه معرفی کنند.

اغلب این آقایان عاشق و مجذوب و علاقه مند باین کاریا بطور کلی به کار نبوده و قبول خدمت یا تحصیل مقام را برای احتراز از بیکاری خواسته اند و از هیچ یک اثر ارزنده و بارزنی که حکایت از علاقه مخصوص و مطالعه عمیق و آشنائی بفن کند دیده نمیشود و هم اکنون هیچیک قدرت و امکان ندارند که بیلان مثبت و مفیدی از زمان تصدی و از تراوش فکری و علائم ترقی زمان خود بدهند که قابلیت عرضه و اظهار داشته باشد .

سی دوسال است بیمه داریم و هنوز توده متوسط ایران از بیمه بی اطلاع است

و اگر مقداری بیمه های اجباری و ناشی از تصمیم مؤسسات دولتی نبود می توانستیم اقرار کنیم که در تمام این مدت در جازده یا گاهی يك قدم به جلویك قدم به عقب رفته ایم و خجالت می کشیم که در قیاس بیمه سهم ممالک پیشرو را بیاوریم و در مقایسه با ملل آسیائی بیشتر از ده مرتبه از هند و پاکستان عقب تریم و باز مینه های بکری که برای فعالیت های بیمه ای داریم هنوز شرکت سهامی بیمه ایران که ظاهر آ معتبرترین مؤسسه موجود محلی است از توجیه اغلب انواع بیمه های معمول در ممالک راقیه و مذکور در کتب و تعالیم بیمه بی خبر و عاجز است و در واقع باید بگوئیم که دستگاه بیمه در ایران به کاریکاتور آن بیشتر شباهت دارد تا بخود بیمه.

برای معاملات بیمه ای هنوز قوانین و مقررات جامعی که اکثر موارد و احتمالات را شامل و مشمول گردد وضع نکرده ایم و با اینکه مؤسسات بیمه اکثراً در نهایت حسن نیت برای انجام تعهدات خود آمادگی نشان داده و برای تأمین خسارات مشتریان تلاش و گذشت داشته اند افراد بسیاری یافت میشوند که با يك بیمه کردن یعنی از علل پشیمان شده و بجای تکرار و توسعه، دیگران را بر حذر ساخته اند و بعضاً خطای استنباط خود را عدول و تخلف شرکت های بیمه می پندارند و از اینکه در آغاز مغرور و در پایان مأیوس شده اند به بیمه و بیمه گر نظری مهربی دارند زیرا شرایط و مقرراتی که صریح و رسا باشد و بتواند از تفسیر و تعبیر و سوء تفاهم احتراز کند نداریم.

نظامات و شرایط عمومی بیمه ها بقدری گیج و مبهم و ماست مالی شده است که اگر در يك مجلس برای ترجمه به تمام مترجمین رسمی و قسم خورده داد گستری بدهیم انواع ترجمه و مفاهیم به تعداد مترجمین خواهد شد در صورتیکه حرف حسابی و شرط محکم و سند صحیح و مطلب صریح نزد هر چند نفر که باشد يك معنی

و مفهوم واحد پیدا میکند و یکی از موانع مؤثر پیشرفت بیمه همانا سه پهلو و ناسا معلوم و قابل تفسیر بودن مواد و عبارات بیمه نامه ها است که بیمه گری برای فرار از خطر و خسارت وضع میکند در صورتیکه میزان و نوع خطرات و حدود تعهدات بیمه گر و میزان صریح فرانشیز بایستی معلوم باشد و آنچه مشمول یا مثنی است صریحاً قید گردد تا بیمه گذار با یک سواد متوسط و متعارف هم بتواند صورت ذهنیه نتایج ممکن الحصول را در مخیله مجسم کند. و از بیمه و بیمه نامه نترسد با برعکس با تصورات واهی خوابهای پلائی نبیند.

علت قلت بیمه و عقب ماندگی نسبی شرکتهای بیمه بیمی است که مردم از مجهولات شرائط عمومی بیمه دارند. نادانی و جهل همه جا خطر دارد حتی در اطاق خواب خانه خود وقتی که تاریک است انسان احتیاط می کند تا به چیزی یا خطر و ضرری بر نخورد! چه رسد بیمه و بیمه نامه ای که شخص نتواند مفهوم و نتیجه روشنی از آن درک کند.

بیمه در ایران هنوز با سی و اندی سال سابقه مجهول و ناشناخته است و هیچگونه توجیه و تبلیغی که در خور مقام و اهمیت بیمه باشد نکرده اند و اگر اتفاقاً مجله یا نشریه ای داشته اند بجای توصیف بیمه و توضیح فوائد و آثار آن با عکس و مدح این و آن آغاز و پایان داشته است.

هنوز اهمیت بیمه برای مردم مجسم و معلوم نیست، هنوز میخواهند عظمت بیمه را صرفاً با عظمت ساختمان و تعدد شعبه و قدرت مالی و شکم و غیب نشان بدهند، هنوز خدمات بزرگی که بیمه در انواع خود از لحاظ تثبیت و تأمین بنیه اشخاص و مؤسسات میتواند مستقیماً یا غیر مستقیم انجام دهد بی نیاز از شرح و دلیل نشده است.

هنوز تاجر و زارع ایرانی نمیدانند که بیمه موجب رونق کار معاملات

آنهاست.

هنوز اغلب ایرانیان «حق بیمه» را یک نوع خرج ترفنی و در بعضی موارد هزینه تحمیلی و دربرخی بلکه و تسمه می‌پندارند در صورتیکه این طور نیست و اگر بیمه موجب تثبیت وضع و تقلیل هزینه تولید و مخارج انتفاعی نشود بطور مسلم اسباب تزلزل توانائی و افزایش مخارج بیهوده نمیگردد و بدون تردید در امر اقتصاد جدید اهمیت فراوان دارد :

هم اکنون در بسیاری از کشورها هیچ مرتهنی بدون بیمه کردن مال مورد رهن قرضی نمیدهد و در معاملات بین المللی بشتوانه بار نامه و برات بیمه نامه است و اغلب حتی مشتری و بدهکار را به نفع خود در حدود مطالبات فرضی یا قطعی بیمه عمر می‌کنند تا گرفتار مراجعه پورته نشوند :

امروز علاوه بر بیمه عمر ، بیمه حریق ، بیمه غرق ، بیمه سیل ، بیمه طغیان آب ، بیمه باران ، بیمه اوراق بها دار ، بیمه شیشه های بزرگ ، بیمه مسئولیت حقوقی ، بیمه مسئولیت مدنی بیمه اتومبیل ، بیمه بهداشت ، بیمه نادرستی ، بیمه جعل ، بیمه دزدی ، بیمه صداقت ، بیمه جهت تضمین صحت عمل ، بیمه سند مالکیت ، بیمه اعتبار ، بیمه حریم خانه ، بیمه امراض و حوادث انفرادی و بیمه های اجتماعی انواع بیمه های دیگر اعم از ببری و بحری و هوائی ، بیمه پیری بیمه بی کاری ، بیمه شورش ، بیمه تنزل قیمت ، بیمه مسئولیت های ورزشی معمول و جاری است که اساساً هنوز در کشور ما سابقه و نمونه ندارد هنوز فواید و آثار بیمه از لحاظ اعتبار ، پس انداز ، گردش سرمایه تسکین خاطر و عوامل روانشناسی مستور است و مسئولین بیمه در ایران مورد مطالعه و اجرا قرار نداده اند . زیرا در صورتی که اشخاص و اشیاء در هر حال و صورت و زمان و مکان به یک نسبتی کم و بیش در معرض یک یا چندین خطر و ضرر قرار دارند و هیچ فرد یا دستگاهی

نمی‌تواند تمام وسائل و لوازم را برای جلوگیری یا مصوم‌نیت از انواع مخاطرات فراهم کند و بر فرض امکان بقدری گران تمام خواهد شد که تحمل هزینه آن معقول نخواهد بود و هر عاقلی ترجیح می‌دهد که با پرداخت مبلغی که نسبت بارزش مودد بیمه ناچیز و مختصر، در حدود چند در هزار است از طریق بیمه کسب مصونیت یا دفع خطر و ضرر کند و بیمه می‌تواند مایه دل‌گرمی و اطمینان خاطر و موجب رونق معاملات تجارتنی و عامل تثبیت هزینه و سوخت و سوز و حیف و میل و قتل و غارت و مرگ و میر و کسر و نقصان و درد و مرض باشد.

بیمه می‌تواند از وقوع خطراتی که بصورت گوناگون سلامتی، خوشبختی، موجودیت و حیثیت و هستی افراد و موسسات را تهدید می‌کند تا حدی جلوگیری و بطور قطع و یقین اغلب اثرات ناگوار آنها را تخفیف دهد.

بیمه در عین حال يك عمل اجتماعی است که به بهترین وجه موجب ایجاد تعاون دو یا چند جانبه می‌گردد و با این تعاون بنیه اشخاصی که در معرض خطر واحدی قرار دارند قبلاً بهمه می‌پردازند تا اگر يك یا چند نفر آنها با آن خطر مواجه شدند از محل آن سهام خطر را کاهش دهد یا از بین ببرد.

بیمه در میان ملل مترقی و اجتماعات پیشرفته بقدری اهمیت و رواج دارد که کمتر تحرك اقتصادی و اجتماعی را می‌توان یافت که فارغ از آن بعرضه وجود آمده یایرجامانده باشد.

بیمه بقدری از حیث قلمرو وسیع و دارای مسیر لایتنهای است که هر چه بگوئیم و بنویسیم کم است و با بالا رفتن رشد فکری جامعه و ارتقاء سطح زندگی عمومی و فردی هم آهنگی دارد.

بیمه در ایران بر اثر فقر و ضعف دستگاه تبلیغاتی در سیر تکامل عمومی عقب ماندگی دارد و مع الوصف همان کارگرانی که در آغاز از بیمه شدن گریخته و

از دادن مختصری حق بیمه فراموشی کردند. امروز بجائی رسیده‌اند که برای تحصیل آن اتفاق و اعتصاب می‌کنند.

بیمه شاید تا کنون از بی‌اطلاعی مشتریان خودخیلی سوء استفاده نکرده باشد ولی مسلماً مشتریان از بی‌اطلاعی خود زیان فراوان دیده‌اند زیرا اغلب از ابهام عبارات و چگونگی مفهوم سطحی بیمه‌نامه و شرایط عمومی مغرور و غافل می‌شوند و وقتی با تعبیرات هنگام مطالبه خسارت مقایسه می‌کند از کرده خود اطمینان می‌شوند. بیمه عمر بمنظور تامین سرمایه برای ایام پیری و از کار افتادگی به خودو اشخاصی که تحت سرپرستی یا مورد علاقه بیمه شده هستند سرمایه می‌دهد، مع الوصف تا کنون سردفتران و دفتریاران و کارمندان دفاتر را بیمه نکرده‌اند چند سال پیش با دستور آقای دکتر باهری مذاکره و مقاوله با شرکت سهامی بیمه ایران شروع شد و با وجود اصرار و علاقه سردفتران تا کنون در وزارت دادگستری مرحله قبل از تصمیم و امضای راطی می‌کند در صورتیکه اگر کانون مستقل بود و اگر شرکت سهامی بیمه که خود وابسته بدولت است از نظر بازاریابی بنیه و قدرت و تدبیر و تلاشی داشت باین معامله بی‌اعتنائی نمی‌کردند، یعنی دادگستری از لحاظ معنوی و بیمه اقل از نظر مادی برای حل این مسئله که چندین سال است انشاء شده در حال امضاء است فکری می‌کردند در قبال این همه توقعات و تحمیلات یک قدم متقابل برای دفاتر برداشته می‌شد.

ایمنی جستم زویرانی ندانم که چرخ گنج می‌خواهد به جای باج از ملک خراب!



کسی که بکاری علاقمند نباشد و آن کار را دوست نداشته باشد هرگز

